

*شعر در خدمت مسائل مهم ملی و اسلامی؛

مسائل مهمی در کشور ما وجود دارد که شعر میتواند از اینها بهره‌مند شود و در خدمت این مفاهیم در بیاید. مفاهیم هم مفاهیم شخصی نیست؛ مفاهیم ملی است. فرض بفرمائید امروز یک ظلم بزرگ هسته‌ای دارند به ما میکنند. درست است که مثل میانمار، ما را قتل‌عام نمیکنند؛ خب، دستشان نمیرسد؛ خب، این یک موضوع مهمی است. یا فرض بفرمائید دانشمندان ما را به شهادت میرسانند؛ این پدیده‌ی کوچکی نیست، پدیده‌ی مهمی است. میخواهند ترور کنند، تروریستند؛ خب، تو سرشان بخورد؛ وقتی که تروریست سراغ دانشمند می‌آید، مسئله از صرف یک ترور فراتر میرود؛ مسئله‌ی جبهه‌بندی و دشمنی با دانش است. اینها باید در شعر منعکس شود. همان طور که به نظرتان میرسد که باید مثلاً برای میانمار یا مصر یا بیداری اسلامی یا فلسطین یا جنگ سی و سه روزه شعر بگوئید.

*مرض روشنفکری ایرانی

من آدمهایی را مشاهده کردم که مدعی میهن‌دوستی و مدعی عاشق این آب و خاک بودند، اما به مسائل این آب و خاک اهمیت نمیدادند. هشت سال در این کشور جنگ بود؛ این جنگ را جمهوری اسلامی که راه نینداخته بود؛ بر جمهوری اسلامی تحمیل شده بود. خب، آنهایی که با جمهوری اسلامی مخالفند، در این جنگ باید چه موضعی می‌گرفتند؟ باید چه کار میکردند؟ دولت، دولت جمهوری اسلامی است؛ اما ملت، ملت ایران است؛ شهر دزفول است، خرمشهر است، تهران است؛ چرا نسبت به آن بی‌تفاوت ماندند؟ چرا شعرای مطرح، هنرمندهای مطرح، رمان‌نویس‌های مطرح، مقاله‌نویس‌های مطرح، روشنفکرهای مطرح، نسبت به این قضیه بی‌تفاوت ماندند؟ آیا این بی‌تفاوتی عیب نیست؟ این بزرگترین عیب است. برای آنها بزرگترین ننگ است که یک چنین تعصبی بر ذهن و روح و قلم و دل یک جمعی حاکم باشد. امروز هم همین جور است. امروز شما می‌بینید جبهه‌ی استکبار با همه‌ی وجودش، با همه‌ی توانش، با همه‌ی قدرت تبلیغاتی‌اش، با همه‌ی توانائی‌های تشکیلاتی سیاسی‌اش، در مقابل ملت ایران ایستاده و دارد کارهایی انجام میدهد - حالا این کارها چقدر اثر میکند یا نمیکند، آن بحث دیگر است.

*مساله اخلاق در شعر؛

مسئله‌ی اخلاق هم از همین قبیل است. تعهد و پوچی، یک مسئله است. عده‌ای چون با تعهد انقلابی، با تعهد مذهبی بدند، دعوت میکنند به پوچی و پوچ‌نگری و پوچ‌گرایی، به اهمال‌قضایای مهم؛ در حالی که آنچه آنها رد میکنند، تعهد به دین و انقلاب و اخلاق است؛ تعهد به بیگانه نیست. الان در شعر آقای امیری این نکته را شنفتیم. اینها تعهد به بیگانه و تعهد به خواستهای بیگانه را هرگز دفع نمیکنند، نفی نمیکنند؛ ملتزم به آن هستند. بنابراین تعهد هست، منتها تعهد به دشمن، تعهد به بیگانه! تعهد به دین و اخلاق و معرفت و مسائل کشور و مسائل انقلاب کأنه یک نقطه‌ی منفی است که باید از آن بگریزند؛ لذا به پوچی گرایش پیدا میکنند و به پوچی دعوت میکنند. در قبال این وضعیت باید موضع داشت و با تهدید علیه دین و فرهنگ و اخلاق جامعه باید مقابله کرد.

*توجه شاعران به این امر که فریب پوچ‌گرایی را نخورند

یک جمله‌ی دیگر هم من بگویم. شاعران جوان ما - که ان‌شاء‌الله خداوند همه‌تان را حفظ کند و من واقعاً دعواتان میکنم که بر صراط مستقیم پای بفرسید و ادامه پیدا کنید - توجه داشته باشید که قطبهای منفی و قطبهای مضر سعی نکنند شماها را به خودشان جذب کنند. الان این تلاش دارد انجام میگیرد. بعضی از همان پوچ‌گراها، همانهایی که با تعهد انقلابی و دینی و ملی بدند - که به آن اندازه و خیلی کمتر از آن، با تعهد در مقابل دشمن انقلاب و دشمن کشور بد نیستند؛ گرایش هم پیدا میکنند! - ممکن است در باغ سبز هم نشان بدهند.